

تبیین اهداف حکومت اقلیم کردستان عراق

در اتحاد با ترکیه

مصطفی خیری^۱ عنایت الله یزدانی^۲ علی امیدی^۳

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۶/۲۶ تاریخ پذیرش ۱۳۹۷/۴/۵

چکیده

دستاوردهای سیاسی و امنیتی در کنار رشد اقتصادی باعث شده است که حکومت اقلیم کردستان عراق بتواند به عنوان الگویی موفق برای دیگر جنبش‌های کرد در منطقه خاورمیانه مطرح شود. حکومت اربیل برای حفظ جایگاه و هژمونی خود بر منطقه شمال عراق رویکرد اتحاد با بازیگران منطقه‌ای نظیر ترکیه را اتخاذ نموده است. در این میان سوالی که مطرح است این است که حکومت اقلیم کردستان عراق از طریق اتحاد با ترکیه چه اهدافی را پی‌گیری نموده است؟ با توجه به حصر ژئوپلیتیک اقلیم کردستان عراق به نظر می‌رسد هدف اصلی اربیل تأمین بقای دولت نیمه‌مستقل اقلیم کردستان عراق و کاهش مخالفت‌های آنکارا با مسئله استقلال احتمالی آن بوده است. در کنار آن می‌توان به بهره‌مندی از ظرفیت‌های اقتصادی و ارتباطی ترکیه برای ایجاد صنعت نفت مستقل و مقابله با نفوذ فزاینده پ.ک.ک. در منطقه نیز اشاره نمود. مقاله حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از چارچوب نظری ژئوپلیتیک دلایل حکومت اقلیم کردستان عراق برای اتحاد با ترکیه را مورد بررسی قرار داده است.

واژگان کلیدی: حکومت اقلیم کردستان، ترکیه، تهدیدات پ.ک.ک، بغداد

۸۱

سیاست جهانی

۱. دانش آموخته دکتری روابط بین الملل از دانشگاه اصفهان
۲. دانشیار روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان
نویسنده مسئول، ایمیل: eyazdan@ase.ui.ac.ir
۳. دانشیار روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

مقدمه

متن ژئوپلیتیک خاصی که حکومت اقلیم در آن واقع شده است در پیدایش دولت نیمه‌مستقل کرد در شمال عراق مؤثر بوده است. این منطقه از یک طرف در درون عراق چند پاره و از سوی دیگر در محاصره کشورهای که جمعیت قابل توجهی دارند قرار گرفته است. این بافت ژئوپلیتیک موجب شده است که سیاست‌های اربیل نه تنها بر همسایگان تأثیرات جدی داشته باشد بلکه خود نیز متأثر از سیاست‌های آن‌ها باشد. در کنار متن ژئوپلیتیک خاص، حکومت اقلیم کردستان نیز همچون دیگر دولت‌های شبه‌مستقل^۱ نتیجه ضعف حکومت مرکزی، وجود حامیان خارجی و احساسات ملی‌گرایانه کردی می‌باشد. ملی‌گرایی کردی را می‌توان عنصری ماهوی و در اصل علت وجودی حکومت اقلیم کردستان عراق دانست. علت وجودی به این معناست که هر حکومتی در مواجهه با تهدیدات و چالش‌ها و برای حفظ حیات خود بایستی به برخی از ارزش‌ها اتکا نماید که در اصل، ماهیت و اساس آن حکومت را تشکیل می‌دهند. امروزه که جنبش ملی‌گرای کرد در شمال عراق موفقیت‌های قابل توجهی کسب نموده و توانسته خود را به عنوان الگویی برای دیگر جوامع کرد منطقه مطرح نماید برای حفظ موجودیت سیاسی خود نیازمند تقویت همبستگی و ملی‌گرایی کردی می‌باشد. موضوعی که نگرانی ترکیه و دیگر کشورهای منطقه که جمعیت قابل توجهی دارند را برانگیخته و به مخالفت همسایگان اقلیم کردستان با پیدایش دولت نیمه‌مستقل کرد در شمال عراق و مسئله استقلال احتمالی آن از حکومت مرکزی بغداد منجر گردیده است. موضوعی که در نهایت انزوای ژئوپلیتیک اربیل را در پی داشته است.

حصر ژئوپلیتیک حکومت اقلیم کردستان عراق چالشی جدی در برابر بقای دولت نیمه‌مستقل کرد و اهداف اربیل مبنی بر کسب استقلال سیاسی و تأسیس صنعت نفت مستقل از بغداد می‌باشد. رهبران هر دو حزب عمده شمال عراق بارها بر مسئله حصر ژئوپلیتیک شمال عراق و آسیب‌پذیری حکومت اقلیم اشاره نموده‌اند. برای رهایی از این محدودیت جغرافیایی، حکومت اقلیم کردستان رویکرد اتحاد با ترکیه را برگزید و با

1 quasi-state

تبدیل ترکیه به شریک اقتصادی اصلی شمال عراق حکومت اقلیم توانست ترکیه را جایگزین بغداد نماید. یکی از دلایل اتحاد اربیل با آنکارا به این مسئله بر می‌گشت که اربیل گزینه کمی برای انتخاب داشت و در این میان آنکارا مناسب‌ترین گزینه برای این شراکت به شمار می‌رفت. اربیل تلاش نمود حکومت اقلیم کردستان عراق را نه به‌عنوان تهدید بلکه فرصتی نوظهور و متحدی جدید در مواجهه ترکیه با تهدیدات فزاینده پ.ک.ک. و پویش‌های منطقه‌ای نظیر تحولات سوریه مطرح نماید.

از سویی دیگر اربیل به‌عنوان یک منطقه حائل مؤثر بین ترکیه و دیگر نقاط بی‌ثبات عراق عمل کرده و از سرایت بی‌ثباتی‌ها مستمر مناطق داخلی عراق به قلمرو ترکیه جلوگیری نموده است. علی‌رغم پیشینه متشنج در روابط ترکیه و حکومت اقلیم، از اواخر سال ۲۰۰۷ تغییرات جدی در روابط را شاهد بوده‌ایم. در این دوره مسعود بارزانی^۱ به‌عنوان رئیس حکومت اقلیم کردستان عراق سعی نمود نقش جدی در حل مسئله کردی در داخل ترکیه بازی کند. وی در مبارزه ترکیه با تهدید روبه رشد پ.ک.ک. و شاخه سوری آن، حزب اتحاد دموکراتیک^۲، متحد مهمی برای آنکارا به شمار می‌رفت. بارزانی سعی نمود حزب اتحاد دموکراتیک وابسته به پ.ک.ک. را در سوریه به حاشیه رانده و شورای ملی کرد^۳ را که نزدیک به وی است جایگزین آن نماید. شراکت اقتصادی اربیل با آنکارا نه تنها در تأمین امنیت انرژی ترکیه مؤثر بود بلکه در تأسیس صنعت نفت مستقل و کاهش وابستگی اربیل به بغداد نقش مهمی داشت. اقدامات بارزانی باعث تغییر در برداشت‌های آنکارا از موجودیت حکومت اقلیم گردید. اگر در ابتدا آنکارا، اربیل را تهدیدی بر امنیت ملی خود می‌دید با توسعه روابط آن را نه تنها شریک اقتصادی بلکه متحدی استراتژیک در مهار تهدیدات پ.ک.ک. در نظر داشت. به نظر می‌رسد بارزانی با اقدامات عملی خود و با تصحیح برداشت‌های تهدیدآمیز آنکارا از موجودیت حکومت اقلیم کردستان عراق نه تنها در رفع حصر ژئوپلیتیک اقلیم کردستان بلکه در تأسیس صنعت نفت مستقل شمال عراق موفق بوده است.

1 Masoud Barzani
2 Kurdistan Workers Party (PKK)
3 Democratic Union Party (PYD)
4 Kurdish National Council(KNC)

البته همگامی اربیل با آنکارا در مواجهه با پ.ک.ک. به رقابت‌های تاریخی حزب دموکرات کردستان و پ.ک.ک. نیز مرتبط می‌باشد. حزب دموکرات بارزانی که در پی رهبری جنبش‌های کردی در منطقه خاورمیانه است نگرانی‌هایی در رابطه با نفوذ فزاینده پ.ک.ک. در منطقه دارد. زیرا ایده کنفدرالیسمی که عبدالله اوجلان^۱، رهبر زندانی پ.ک.ک.، مطرح کرده است و پ.ک.ک. آن را دنبال می‌نماید نه تنها باعث به تحلیل رفتن اقتدار حزب دموکرات کردستان مسعود بارزانی و حکومت اقلیم می‌شود بلکه در نهایت باعث تسلط پ.ک.ک. بر حوزه سیاست کردی در کل منطقه خاورمیانه یعنی ایران، ترکیه، سوریه و عراق می‌گردد و این مسئله به اتحاد اربیل با آنکارا برای رفع تهدید فزاینده پ.ک.ک. منجر گردید. باتوجه به مطالب مذکور سوالی که مطرح است این است که حکومت اقلیم کردستان عراق از طریق اتحاد با ترکیه چه اهدافی را پی‌گیری می‌نماید؟ در پاسخ به آن این فرضیه مطرح شده است که با توجه به حصر ژئوپلیتیک اقلیم کردستان عراق به نظر می‌رسد هدف اصلی اربیل تأمین بقای دولت نیمه‌مستقل حکومت اقلیم کردستان عراق و کاهش مخالفت‌های آنکارا با مسئله استقلال احتمالی آن می‌باشد. در کنار آن می‌توان به بهره‌مندی از ظرفیت‌های اقتصادی و ارتباطی ترکیه برای ایجاد صنعت نفت مستقل و مقابله با نفوذ فزاینده پ.ک.ک. در منطقه نیز اشاره نمود.

۱. چارچوب نظری

ژئوپلیتیک از دو واژه ژئو به معنای زمین و پلیتیک به معنای سیاست تشکیل شده است. منظور از پیوند سیاست در این واژه، سیاست خارجی است، نه هر سیاستی. ژئوپلیتیک که معادل فارسی آن سیاست جغرافیایی می‌باشد، رویکردی است بر سیاست بین‌الملل که در تلاش است تا رفتارهای سیاسی بازیگران را بر اساس محیط طبیعی آن‌ها تبیین نماید. بر این اساس رویکرد ژئوپلیتیک بیانگر تأثیر جغرافیا بر امور سیاسی است (Plano & Alto, 1988: 98) در مباحث ژئوپلیتیک نقطه کانونی رقابت بر سر فضای جغرافیایی و امتیازات موجود در آن می‌باشد تا از پس آن امکان تحصیل قدرت برای حکومت‌ها و سازه‌های ژئوپلیتیک فراهم آید (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۷). نظریات ژئوپلیتیک در اوایل

1 Abdullah Öcalan

شکل‌گیری خود بیشتر معطوف به رقابت قدرت‌های استعماری بودند و در راستای افکار ژئواستراتژی قرار داشتند. نظریه آلفرد تایر ماهان^۱ و هرפורد مکیندر^۲ در این چارچوب قابل تحلیل می‌باشند. ماهان سلطه بر دریاها به خصوص تنگه‌های راهبردی را برای قدرت‌های بزرگ ضروری می‌دانست. برخلاف ماهان مکیندر معتقد به قدرت زمینی بود. از دید مکیندر مناطق خشکی که از شرق اروپا شروع شده و تا آسیای مرکزی ادامه می‌یابند قلب زمین به شمار می‌روند. با پایان جنگ سرد از اهمیت نظامی گری کاسته شد و رقابت بر سردستیابی به موقعیت ژئواکونومیک صورت گرفت. لذا رقابت بر سر بهره‌برداری و انتقال منابع هیدروکربنی به بازارهای جهانی مباحث جدیدی را در ژئوپلیتیک موجب شده و زمینه همکاری بین کشورهای تولیدکننده و ترانزیت‌کننده را فراهم آورده است.

ازدید پیتر تیلور^۳ ویژگی‌های جغرافیایی واحدهای سیاسی و همسایگان آن‌ها در رفتار سیاسی بازیگران از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. تیلور در بحث کدهای ژئوپلیتیک تاکید خاصی بر روی کشورهای همسایه دارد (Taylor, 1989: 37). کدهای ژئوپلیتیک مورد نظر وی واقعیت‌های جغرافیایی کشور رقیب و یا به عبارتی هدف می‌باشند. به عنوان نمونه موقعیت ترانزیتی ترکیه و نقش این کشور به عنوان دروازه ورد اقلیم کردستان به بازارهای جهانی و اروپایی کد ژئوپلیتیک اربیل به شمار می‌رود. ژنوم ژئوپلیتیک نیز در اصل واقعیت جغرافیای موجود در خود واحد سیاسی به شمار می‌رود. در سایه ایجاد یک رابطه منطقی بین ژنومهای خود و کد ژئوپلیتیک واحد سیاسی هدف می‌توان به سیاست خارجی مبتنی بر واقعیات دست یافت. به این ترتیب ژئوپلیتیک به مطالعه اثرگذاری عوامل جغرافیایی نظیر موقعیت جغرافیایی، نحوه توزیع منابع طبیعی و انسانی بر روابط بین‌الملل و تصمیم‌گیری‌های سیاسی رهبران اشاره دارد. این عوامل جغرافیایی شامل ویژگی‌های انسانی و طبیعی می‌باشند. عناصر انسانی ناشی از ویژگی‌های جمعیتی بوده و شامل عواملی همچون پیشینه و تجارب تاریخی، مذهب و بافت قومی و نژادی است. موقعیت سرزمینی و منابع طبیعی کشورها (عوامل

1. Alfred Tayer Mahan
2. Herford Mackinder
3. Peter Taylor

ژئواکونومیک) را می‌توان از عوامل طبیعی ژئوپلیتیک قلمداد نمود. امروزه در راستای رقابت‌های ژئوپلیتیک مواهب ژئواکونومیک از اهمیت بسزایی برخوردار شده و زیربنای توانمندی‌های اقتصادی حکومت‌ها را تشکیل می‌دهند. بنابراین در زمان حاضر اگر بازیگری بتواند در حد کفایت بر این مواهب ژئواکونومیک دسترسی داشته باشد می‌تواند برای خود نفوذی ایجاد نموده و سایر کشورها را به همکاری ترغیب نماید. در این میان دسترسی به منابع انرژی، بخشی از زیربنای تحولات ژئوپلیتیک عصر جدید به شمار می‌رود. در شمال عراق، استراتژی اربیل دستیابی به منابع هیدروکربنی منطقه و سعی در کنترل عوامل ژئوپلیتیک مزیت‌آفرین می‌باشد. در اصل پویایی منطقه شمال عراق و اهمیت ژئوپلیتیک آن وابسته به ذخایر هیدروکربنی است.

با توجه به مباحث کدها و ژنومهای ژئوپلیتیک شرایط جغرافیایی به‌عنوان عوامل اصلی ثابت و تأثیرگذار بر ژئوپلیتیک کشورها از اهمیتی استثنایی برخوردار می‌باشند. بنابراین، شناسایی موقعیت جغرافیایی کشورها اولین قدم در بررسی‌های ژئوپلیتیک است. موقعیت جغرافیایی است که مشخص می‌کند یک کشور جزء قدرت‌های دریایی، کشورهای محصور در خشکی و یا برخوردار از امتیاز ساحلی بودن است. شرایط جغرافیایی دربردارنده مجموعه‌ای از فرصت‌ها و محدودیت‌ها می‌باشند. شرایطی که در حکم ساختار بوده و مستقل از کارگزار می‌باشند (Scholvin, 2016: 24). این شرایط آنچه را که باید انجام دهیم را به ما دیکته نمی‌کنند، بلکه انتخاب‌های عقلانی را مشخص می‌کنند. با توجه به نظریات ژئوپلیتیک، الزامات ناشی از موقعیت جغرافیایی کردستان عراق اربیل را به همکاری با ترکیه سوق داده است.

۲. رقابت پ.ک.ک. و حکومت اقلیم کردستان برای رهبری جنبش‌های کردی

حزب دموکرات کردستان که متعلق به بارزانی است و پ.ک.ک. رقیبان تاریخی در رهبری جنبش ملی‌گرای کرد در منطقه خاورمیانه می‌باشند. بارزانی و اوجلان هر دو ادعای رهبری جنبش‌های کردی منطقه را دارند (Kayhan, 2016: 23 & Natalie 2015: 148). موفقیت‌های سیاسی و اقتصادی در کنار مشروعیت بین‌المللی، باعث شده‌اند که اربیل به‌عنوان الگویی موفق برای دیگر جنبش‌های کرد منطقه خاورمیانه مورد توجه قرار گیرد. موضوعی که چندان خوشایند پ.ک.ک. نبوده است. در واکنش به ظهور حکومت

اقلیم کردستان و توافق‌نامه همکاری دو حزب اصلی شمال عراق یعنی حزب دموکرات کردستان و اتحادیه مهینی کردستان، پ.ک.ک. استراتژی پان‌کردیستی خود را توسعه داد (Tanchum, 2014: 67). پ.ک.ک. برای بسط دامنه نفوذ خود در مناطق کردنشین خاورمیانه و تضعیف اقتدار حکومت اقلیم کردستان عراق، احزاب وابسته به خود را در کشورهایی که جمعیت کرد قابل توجهی داشتند به وجود آورد. به همین منظور حزب راه حل دموکراتیک کردستان^۱ در سال ۲۰۰۲ در عراق، حزب اتحاد دموکراتیک در سال ۲۰۰۳ در سوریه و حزب زندگی آزاد برای کردها^۲ در سال ۲۰۰۴ در ایران به جود آمدند. در ادامه استراتژی پ.ک.ک. مبنی بر کسب هژمونی و سلطه انحصاری بر جوامع کرد خاورمیانه در سال ۲۰۰۵ عبدالله اوجلان رهبر زندانی پ.ک.ک. بیانیه کنفدرالیسم دموکراتیک^۳ خود را اعلام نمود که بر اساس آن مناطق کردنشین ایران، ترکیه، عراق و سوریه یک منطقه کنفدرال را تشکیل می‌دادند و در عین حال هر یک از این چهار بخش در روابط فدرال با کشورهای متبوع خود به سر می‌بردند.

در حالی که شاخه عراقی پ.ک.ک. نتوانست حمایتی کسب نماید و در سایه حضور حکومت اقلیم به حاشیه رانده شد، شاخه سوری و ایرانی پ.ک.ک. از ایده کردستان بزرگ اوجلان حمایت کردند. در نتیجه تحولات سوریه پ.ی.د توانست سه منطقه خودمختار کرد در سوریه شکل دهد و در راستای ایده کنفدرالیسم اوجلان پ.ی.د. مناطق زیر سلطه خود را کردستان غربی یا به عبارتی کردستان روژاوا^۴ نامید. یکی دیگر از اقدامات پ.ک.ک. در زمینه رقابت با حزب دموکرات بارزانی، اخلال در همکاری‌های اقتصادی اربیل-آنکارا بوده است که عمدتاً به مسئله صادرات انرژی منطقه شمال عراق مرتبط می‌گردید. هرچند در ظاهر هدف اصلی پ.ک.ک. تضعیف جایگاه ژئوپلیتیک ترکیه به‌عنوان کریدور انتقال منابع انرژی منطقه به بازارهای جهانی و عمدتاً اروپایی است، ولی در باطن هدف دیگری هم دارد و آن هم تضعیف اقتصادی اربیل و کاهش مقبولیت حزب دموکرات بارزانی می‌باشد. به دنبال تهدید پ.ک.ک. مبنی بر ایجاد

1 Kurdistan Democratic Solution Party

2 Party for a Free Life in Kurdistan (PJAK)

3 Declaration of a Democratic Confederalism

4 Kurdistanê Rojavayê

اختلال در صادرات گاز از منطقه اقلیم کردستان به ترکیه مسعود بارزانی در مارس ۲۰۱۶ با انتقاد از پ.ک.ک. گفت: "پ.ک.ک. و.پ.ی.د. یکی هستند" (Pinar, 2017: 412). گفته وی از آن جهت مهم است که پ.ک.ک. توسط اروپا، آمریکا و ایران به عنوان یک سازمان تروریستی شناخته شده است. ولی پ.پ.ی.د. را فقط ترکیه یک سازمان تروریستی می‌داند. متحدین غربی ترکیه نه تنها پ.پ.ی.د. را یک سازمان تروریستی به شمار نمی‌آورند بلکه به حمایت از آن در مبارزه با داعش نیز می‌پردازند. در واقع بارزانی در این اظهار نظر همسو با ترکیه پ.پ.ی.د. را نیز سازمانی تروریستی قلمداد نمود.

ظهور داعش در منطقه خاورمیانه (سوریه و عراق) زمینه گسترش نفوذ پ.ک.ک. را در منطقه فراهم نموده و در رقابت‌های ژئوپلیتیک پ.ک.ک. و حزب دمکرات بارزانی برای کنترل مناطق کردنشین خاورمیانه به نفع پ.ک.ک. عمل نموده است. شورای ملی کرد و پ.پ.ی.د. دو گروه عمده کردی در سوریه می‌باشند که اولی متمایل به بارزانی و دیگر از زیر شاخه‌های پ.ک.ک. است. این دو در رقابت با یکدیگر برای کنترل قلمرو جغرافیایی کردستان سوریه می‌باشند. حزب پ.پ.ی.د. با حمایت پ.ک.ک. و شاخه نظامی خود یعنی یگان‌های مدافع خلق کرد سوریه^۱ و به روش‌های خشونت‌آمیز توانسته است احزاب و گروه‌های کرد وابسته به بارزانی را به حاشیه رانده و به تنهایی در شمال سوریه و با حمایت‌های پ.ک.ک. اعلام خود مختار نماید. بارزانی اقدامات پ.پ.ی.د. در حذف دیگر گروه‌ها و احزاب کردی و غیر کرد را انحصارطلبی نامید.

از اقدامات دیگر پ.پ.ی.د. در عدم تقسیم قدرت و به حاشیه راندن دیگر گروه‌های کرد مخالفت آن با بازگشت کردهایی است که در سال ۲۰۱۲ از سوریه به شمال عراق فرار کرده و در آنجا برای مبارزه با داعش در شمال سوریه آموزش نظامی دیده بودند. صالح مسلم^۲، رهبر حزب اتحاد دموکراتیک کردهای سوریه اخیراً گفته بود که نیرویی به نام نیروهای پیشمرگ روژوا (پیشمرگه مناطق کردنشین سوریه) را به رسمیت نمی‌شناسند. پ.پ.ی.د. در بیانیه‌ای اعلام کرد نیروهای موسوم به پیشمرگ‌های روژوا که در اقلیم کردستان عراق آموزش نظامی دیده‌اند به هیچ وجه اجازه ندارند به مناطق کردنشین سوریه بازگردند. در این بیانیه آمده است: "خطاب به آن‌ها که این موضوع را پیچیده

1 Syrian Kurdish People's Protection Units (YPG)

2 Salih Muslim

کرده و درباره آن آشوب به پا می‌کنند باز هم تاکید می‌کنیم که به هیچ فردی تحت عنوان نیروی پیشمرگ روژاوا اجازه ورود نخواهیم داد و کسانی که تخطی کنند، مسئولیت عواقب آن بر عهده خودشان است" (خبرگزاری کرد پرس، ۱۳۹۴). با تشدید تنش بین بارزانی و پ.ی.د. و پیشروی‌های پ.ی.د. در شمال سوریه بارزانی نیز مانند ترکیه مرزهای خود با سوریه را بست (Park, 2016: 34). تحولات اخیر در مناطق کردنشین خاورمیانه و رقابت‌های سیاسی بین گروه‌ها و احزاب مختلف کردی بیانگر عمق اختلافات بین گروه‌های کرد برای کنترل بر قلمرو جغرافیایی کردستان در منطقه خاورمیانه می‌باشد و در مواردی اختلاف بین احزاب کرد بیشتر از اختلاف کردها و کشورهای منطقه است.

پیدایش داعش در عراق و پیشروی‌های آن در منطقه کردنشین سنجار^۱ در شمال عراق و هم مرز با سوریه و تلاش پ.ک.ک. برای نجات کردهای ایزدی زمینه نفوذ پ.ک.ک. را در شمال عراق فراهم نموده است. امروزه پ.ک.ک. بخش‌هایی از منطقه سنجار را در کنترل خود دارد. مسئله حضور شورشیان پ.ک.ک. و یگان‌های مدافع خلق در قلمرو حکومت اقلیم و به بهانه مبارزه با داعش بر نگرانی‌های اربیل افزوده است. رهبران هر دو حزب اصلی کرد شمال عراق (حزب دمکرات و حزب اتحادیه میهنی) نگران نفوذ و کنترل شمال عراق توسط پ.ک.ک. هستند (Charountaky, 2012: 188).

حکومت اقلیم کردستان عراق برای حفظ جایگاه و هژمونی خود بر منطقه شمال عراق با چالشی جدی یعنی حضور و نفوذ پ.ک.ک. روبروست. مبارزات و پیشروی‌های گروه‌های وابسته به پ.ک.ک. در داخل منطقه متعلق به حکومت اقلیم کردستان عراق موقعیت سیاسی دولت نیمه‌مستقل کرد و به‌خصوص حزب دموکرات کردستان را که متعلق به بارزانی می‌باشد بغرنج‌تر کرده است. نچیروان بارزانی، نخست وزیر اقلیم کردستان، تهدید کرده بود اگر پ.ک.ک. از سنجار خارج نشود به نیروی نظامی متوسل خواهند شد. تعلل پ.ک.ک. در خروج از منطقه سنجار با وجود درخواست‌ها و تهدیدهای مکرر اربیل زمینه را برای درگیری پ.ک.ک. و نیروهای پیشمرگه در ۱۳ اسفند ۱۳۹۵ فراهم نمود که در نتیجه آن تعدادی از دو طرف مجروح و کشته شدند

1 Sinjar

(خبرگزاری کرد پرس، ۱۳۹۵). حوادث اخیر در واقع به نوعی یادآور درگیری‌های پیشین بین گروه‌های کردی است. درگیری پ.ک.ک. با دو حزب اصلی شمال عراق و همچنین درگیری‌های دو حزب اصلی شمال عراق با همدیگر است. از سویی دیگر نشانه رقابت ژئوپلیتیک پ.ک.ک. و حکومت بارزانی برای نفوذ در مناطق کردنشین خاورمیانه و رهبری جنبش‌های کردی است و در این رقابت نیز آنکارا به جانبداری از مسعود بارزانی می‌پردازد. به‌عنوان نمونه به دنبال درگیری‌های سنجار مولود چاوش اوغلو^۱ وزیر خارجه ترکیه ضمن محکوم کردن اقدامات پ.ک.ک. آن را حمله به حاکمیت قانونی اقلیم کردستان عراق نامید که پذیرفتنی نیست (خبرگزاری کرد پرس، ۱۳۹۵).

۳. اربیل و جلب همکاری آنکارا در ایجاد صنعت نفت مستقل

موقعیت جغرافیایی اقلیم کردستان و منابع طبیعی (نفت و گاز) کردستان عراق به عنوان دو عامل طبیعی ژئوپلیتیکی در توسعه روابط اقلیم کردستان با ترکیه نقشی حیاتی داشته‌اند. موقعیت جغرافیای ترکیه به عنوان پل ارتباطی شرق و غرب و تلاش آنکارا برای تبدیل شدن به کریدور انتقال انرژی از منطقه از جمله از شمال عراق به بازارهای جهانی نیز موجب تسهیل روابط دو بازیگر شده است. در اصل همکاری‌های اقتصادی بین کردهای شمال عراق و ترکیه را می‌توان سنگ‌بنای روابط آنکارا و اربیل و پایه‌گذار اعتماد متقابل دانست که روابط سیاسی نزدیک‌تر و همکاری‌های امنیتی بین ترکیه و کردهای عراق را به همراه داشته است (Jeffrey&Cagaptay,2017: 5).

رهبران حکومت اقلیم کردستان مشتاق به حفظ روابط سودمند موجود با ترکیه می‌باشند و در واقع برای بقا شمال عراق و اقتصاد منطقه به همکاری اقتصادی آنکارا و سرمایه‌گذاری‌های این کشور نیاز دارند. از سال ۲۰۰۸ حکومت اقلیم سرمایه‌گذاران ترکیه را به حضور در بخش‌های ساختمانی و انرژی تشویق نموده است تا بتواند از این طریق منافع مشترک خود با آنکارا را بسط دهد. همکاری‌های اقتصادی سودمند موجب گردید اربیل به جایگاه سومین شریک تجاری ترکیه بعد از آلمان و بریتانیا دست یابد و بیش از نیمی از شرکت‌های خارجی فعال در منطقه شمال عراق را شرکت‌های ترک

1Mevlüt Çavuşoğlu

تشکیل دهند. از طرف دیگر حمایت‌های آنکارا از اربیل و بخصوص حزب دموکرات کردستان تحت رهبری بارزانی به ترکیه این امکان را می‌داد که بتواند جای پای در عراق داشته باشد و بتواند در برابر حکومت مرکزی تحت کنترل گروه‌های شیعی و متحد با ایران موازنه سازی نماید.

همکاری‌های اقتصادی دو طرف بیشتر در زمینه انرژی متمرکز است زیرا کردها به دنبال کنترل بر منابع هیدروکربنی شمال عراق و تأسیس صنعت نفت مستقل از حکومت مرکزی بغداد می‌باشند. سخنان وزیر منابع طبیعی حکومت اقلیم کردستان عراق، آشتی هاورامی^۱، در مصاحبه با خبرگزاری رویترز بیانگر این مسئله است. وی در سال ۲۰۰۷ به رویترز گفت: "روایای برخی‌ها در عراق این است که همچون گذشته کنترل نفت [کردستان عراق] را بدست گیرند و آن هرگز اتفاق نخواهد افتاد" (Rruters, 2007)

تلاش کردها برای کنترل ذخایر نفت و گاز کردستان عراق و تأسیس صنعت نفت مستقل در واقع بخشی از تاریخ طولانی و بزرگ‌تر کردها برای تأسیس دولت مستقل کرد در شمال عراق می‌باشد. در گذشته منطقه شمال عراق شاهد شورش‌های کردها برای کسب استقلال بوده است ولی استراتژی کردها از شورش به سمت پروسه تدریجی افزایش استقلال سیاسی و اقتصادی از حکومت مرکزی بغداد تغییر یافته است. نخست وزیر حکومت اقلیم، نچیروان بارزانی^۲ در اکتبر ۲۰۱۵ بیان داشت: "هدف اصلی ما کسب استقلال اقتصادی منطقه کردستان است که استقلال ما را تأمین می‌کند" (Rudaw, 2015). اگر چه حکومت اقلیم کردستان حکومتی مستقل نیست، ولی اربیل در تلاش است همانند یک کشور مستقل صنعت نفت مستقلی را پی‌ریزی کند. درآمدهای نفتی اربیل وضعیت نیمه مستقل حکومت اقلیم را مستحکم نموده است. حکومت اقلیم تلاش کرده است از مسئله انرژی به عنوان ابزار فشار سیاسی علیه حکومت مرکزی بغداد استفاده نماید. سه عامل اساسی به تأسیس صنعت نفت مستقل اربیل یاری رسانده‌اند که عبارت‌اند از: ۱- کردها توانستند با ارائه رژیم حقوقی مناسب، شرکت‌های نفتی بزرگ بین‌المللی را به منطقه جذب نمایند. ۲- خرید و انتقال منابع هیدروکربنی منطقه به وسیله ترکیه باعث اتصال شمال عراق که در حصر ژئوپلیتیکی به سر می‌برد به بازارهای جهانی

1 Ashti Hawrami

2 Nechirvan Barzani

گردید. ۳- مسله سوم فروش نفت به بهای کمتر می‌باشد (Kamisher, 2016: 1). فروش به بهای کمتر اقدامات تلافی جویانه بغداد بر علیه شرکت‌ها و کشورهای طرف قرارداد با اربیل را خنثی می‌کند. زیرا زیان‌های وارده را با چنین فروشی جبران می‌نماید.

با کشف منابع نفت و گاز در شمال عراق، حکومت اقلیم کردستان به بازیگری کلیدی در حوزه انرژی تبدیل گردید. با توجه به حصر ژئوپلیتیکی حکومت اقلیم کردستان چالش پیش روی اربیل مسئله صدور منابع موجود از منطقه به بازارهای جهانی می‌باشد. مسیر شرق، ایران، مخالفت غرب و بخصوص آمریکا را در پی دارد. سوریه که در غرب حکومت اقلیم قرار دارد دچار جنگ داخلی است که نتیجه و پایانی برای آن به این زودی‌های نمی‌توان متصور شد. مسیر جنوب و جنوب شرقی نیز تحت کنترل حکومت مرکزی بغداد می‌باشد. نه تنها تاریخ طولانی از تنش بین بغداد و کردهای شمال عراق وجود دارد بلکه مسئله سرزمین‌های مورد مناقشه نظیر منطقه نفت خیز کرکوک^۱، میزان خودمختاری اربیل و سهم اربیل از درآمدهای نفتی عراق بر مناسبات دو طرف سایه انداخته و زمینه تنش در روابط بین آن دو را فراهم نموده بود.

استان‌های دهوک^۲، اربیل و سلیمانیه^۳ بر اساس قانون اساسی فدرال عراق منطقه اقلیم کردستان عراق را تشکیل می‌دهند. علاوه بر استان‌های فوق مناطق دیگری نیز وجود دارند که بر سر کنترل آن‌ها بین اربیل و بغداد اختلافات جدی وجود داشت. حکومت اقلیم استان‌های نینوا^۴، کرکوک و دیاله^۵ را بخشی از قلمرو جغرافیایی خود می‌دانست. مشاجرات اربیل و بغداد بر سر موضوعات مذکور نیز چشم انداز عبور منابع هیدروکربنی منطقه اقلیم کردستان از مسیر عراق و رسیدن به توافقی در این زمینه را با مشکل مواجه نموده بود. در نقشه زیر مناطق تحت کنترل اربیل و مناطق مورد اختلاف نشان داده شده‌اند.

1 Kirkuk
2 Duhok
3 Sulaymaniyah
4 Ninewa
5 Dialeh

نقشه شماره ۱. مناطق مورد مناقشه

مناطق مورد اختلاف اربیل و بغداد

منطقه تحت کنترل حکومت اقلیم کردستان عراق

منطقه تحت کنترل نیروهای کرد



نجفی، (۱۳۹۶)

از زمان امضاء قانون اساسی فدرال عراق در سال ۲۰۰۵ حق بهره‌برداری و صدور منابع انرژی شمال عراق منشأ تنش میان اربیل و بغداد بوده است. اربیل معتقد است سیاست‌های انرژی اقلیم مطابق با قانون اساسی فدرال عراق می‌باشد. بر اساس قانون اساسی جدید عراق از سال ۲۰۰۵ منطقه اقلیم کردستان بخشی از دولت فدرال عراق که تحت کنترل شیعیان این کشور می‌باشد به شمار می‌رود و سهم حکومت اقلیم از درآمدهای نفتی عراق ۱۷ درصد می‌باشد. بر این اساس ۸۳ درصد از درآمدهای نفتی

ارییل نیز بایستی به دولت مرکزی بغداد عودت داده شود. این مسائل از طرفی باعث وابستگی ارییل به بغداد شده است و از طرف دیگر تنش‌هایی را در روابط طرفین موجب شده است زیرا ارییل معتقد است سهم دریافتی آن در عمل کمتر از ۱۷ درصد می‌باشد (Paasche & Mansurbeg, 2014: 1). با توجه به مسائل موجود، چشم انداز حل اختلاف ارییل-بغداد در زمینه انرژی محتمل به نظر نمی‌رسد. لذا ارییل به این نتیجه رسیده بود که با توسعه مسیرهای صادراتی جدید برای منابع هیدروکربنی خود و از مسیر ترکیه کمتر در برابر سیاست‌های حکومت مرکزی عراق آسیب‌پذیر خواهد بود و در صورت بروز اختلاف و یا عدم پرداخت سهم ۱۷ درصدی ارییل از درآمدهای نفتی کشور با مشکل جدی مواجه نخواهد شد. بنابراین حاکمیت ارییل بر منابع نفت و گاز شمال عراق و ایجاد زیر ساخت‌های صادراتی جدید از مسیر ترکیه به سوی بازارهای جهانی باعث خواهد شد بغداد اهرم فشار لازم برای اجرای سیاست‌های خود در رابطه با ارییل را از دست بدهد و در اصل اقدامی اساسی از سوی ارییل برای کسب حاکمیت بر شمال عراق و قدمی به سوی استقلال به شمار می‌رفت.

با توجه به موانع ژئوپلیتیک مذکور، مسیر ترکیه برای صادرات منابع انرژی حکومت اقلیم مناسب‌تر به نظر می‌رسید. از آنجایی که ترکیه بین اروپا به‌عنوان بزرگ‌ترین بازار مصرف انرژی دنیا و خاورمیانه به‌عنوان عرضه‌کننده اصلی انرژی جهانی واقع شده است لذا جاه‌طلبی ژئوپلیتیک آنکارا تبدیل شدن به قطب و مرکز ترانزیت انرژی است. در این میان حکومت اقلیم در تلاش است خود را شریک انرژی قابل اعتماد برای آنکارا نشان دهد. با توجه به روابط متشنج بین روسیه و غرب و تلاش اروپا برای کاهش وابستگی اتحادیه به منابع هیدروکربنی روسیه، مشارکت انرژی بین ارییل و آنکارا و احداث خطوط لوله نفت و گاز در مسیر حکومت اقلیم کردستان-ترکیه-اتحادیه اروپا نه تنها جایگاه استراتژیک ارییل را نزد آنکارا بلکه در نزد اتحادیه اروپا تقویت خواهد نمود و با تنوع بخشیدن به منابع عرضه‌کننده انرژی به اتحادیه اروپا به تأمین امنیت ملی اتحادیه نیز کمک خواهد کرد. در اصل آنکارا دروازه مستقیم ارییل به اروپاست. به دنبال تلاش‌های صورت گرفته، در سال ۲۰۰۹ ترکیه واردات نفت از ارییل را شروع کرد. در می ۲۰۱۲ تفاهم نامه احداث خطوط لوله نفت میان آنکارا و ارییل که ظرفیت انتقال یک

میلیون بشکه نفت را دارد امضاد گردید. وابستگی اربیل به آنکارا با توافق نامه‌های انرژی امضای شده عمیق تر گردید. در اوایل ۲۰۱۴ حکومت اقلیم احداث خط لوله نفتی را که خارج از کنترل بغداد و با همکاری آنکارا اجرا می‌گردید به پایان رساند. این خط لوله با عبور از قلمرو حکومت اقلیم وارد بندر جیحان^۱ ترکیه در دریای مدیترانه می‌گردید. پس از ژوئن ۲۰۱۵ حکومت اقلیم حجم زیادی از نفت خود را از طریق خط لوله مذکور و به طور مستقل صادر نموده است. بر اساس آمار وزارت منابع طبیعی حکومت اقلیم کردستان، حکومت اقلیم در سال ۲۰۱۶ از طریق خط لوله مذکور روزانه بیش از ۵۰۰ هزار بشکه نفت صادر نموده است (KRG Ministry of Natural Resource, 2016).

این خط لوله با وجود مخالفت‌های بغداد و واشینگتن اجرا و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. فروش مستقیم نفت به بازارهای جهانی منبع اصلی و حیاتی درآمد برای اربیل به شمار می‌رود. درآمدهای حاصل از فروش نفت این خط لوله باعث گردید تا اربیل در برابر سقوط مالی ناشی از اختلاف با بغداد در زمینه تقسیم بودجه و فشارهای بغداد مقابله نماید. در واقع بدون همکاری ترکیه صادرات مستقیم نفت اربیل به علت بن‌بست جغرافیایی غیرممکن می‌باشد. توافقات نفتی و گازی صورت گرفته بین آنکارا و اربیل نه تنها باعث کاهش وابستگی اربیل به بغداد شده است بلکه ادعای بغداد مبنی بر کنترل انحصاری بر منابع طبیعی این کشور را به چالش کشیده است (Özdemir & Raszewski, 2016: 131). هرچند آنکارا سعی داشت از منازعات اربیل و بغداد بر سر مکانیزم تقسیم درآمدهای نفتی و مدیریت منابع نفت شمال عراق کشور دوری گزیند ولی منازعات حکومت اقلیم کردستان و حکومت مرکزی عراق در فاصله آوریل ۲۰۱۲ تا آگوست ۲۰۱۴ به تنش‌های آنکارا و بغداد نیز دامن زد.

۴. تأمین بقا و استقلال احتمالی زمینه‌ای برای همکاری کردستان عراق با ترکیه

با سرنگونی صدام، کردها ضمن ظهور در عرصه سیاسی عراق ایده فدرالی شدن عراق را مطرح نمودند. آنکارا ضمن واکنش شدید، شکل‌گیری چنین ساختاری را مخالف منافع و امنیت ملی خود می‌دید و به مخالفت با اربیل پرداخت. با مخالفت‌های ترکیه روابط آنکارا و اربیل دچار تنش شد و در بعضی مواقع حکومت اقلیم به دخالت نظامی

1 Ceyhan



تهدید گردید. ولی تلاش‌های ترکیه نتیجه‌ای در بر نداشت و دو سال بعد از سرنگونی رژیم بعث در عراق و با ایجاد منطقه فدرال عبور از خط قرمز ترکیه را شاهد بودیم. آنکارا معتقد بود چنین شکلی از فدرالیسم در نهایت به تجزیه عراق منجر خواهد شد (Crisis Group, 2007) و کردهای عراق در انتظار فرصتی برای اعلام استقلال خود می‌باشند و این مسئله نه تنها تجزیه عراق را تسهیل خواهد نمود بلکه به گسترش جنبش‌های ملی‌گرایانه کردی در کشورهای همسایه عراق نیز منجر خواهد شد. از دید آنکارا هر گونه تغییر و تحولی در شمال عراق می‌تواند بر مناطق کردنشین ترکیه اثرگذار باشد (چگنی زاده و خوش اندام، ۱۳۸۹: ۲۱۰). زیرا همبستگی و تعاملات بین کردی در منطقه خاورمیانه قوی است و تحولات در هریک از جوامع کرد بر جوامع کرد دیگر کشورهای منطقه می‌تواند سرایت نماید (Barkey, 2015: 2).

شواهد تجربی و تاریخی نیز بیانگر تاثیرات تحولات سیاسی و اجتماعی مناطق کردنشین خاورمیانه بر یکدیگر می‌باشند. تأسیس جمهوری مهاباد در جریان جنگ جهانی دوم و با حمایت اتحاد جماهیر شوروی و تأثیر آن بر جریانات کردی در شمال عراق و به‌ویژه شیوع تفکرات سوسیالیستی در مناطق کردنشین عراق در این چارچوب قابل ارزیابی است (پیشگاهی‌فرد و نصراللهی زاده ۱۳۹۱: ۱۹۵). شکل‌گیری جنبش ملی‌گرای کردی در نواحی کردنشین امپراطوری عثمانی و سرایت آن به کردستان ایران و یا تأسیس اولین حزب سیاسی کردی در مناطق کردنشین ایران تحت عنوان کومله ژبانی کردستان که به معنی جمعیت حیات یا تجدید حیات کردستان می‌باشد نمونه‌هایی از تأثیرپذیری جنبش‌های کردی از همدیگر در منطقه خاورمیانه می‌باشند.

از میان عوامل طبیعی ژئوپلیتیک، موقعیت جغرافیایی اقلیم کردستان عراق نقشی تعیین کننده در رویکرد سیاسی اربیل در قبال همسایگان آن داشته است. عدم دسترسی به آب‌های آزاد، نبود عمق استراتژیک و قرار گرفتن در همسایگی کشورهای نگرانی‌های جدی در رابطه با رشد ناسیو نالیسم کردی در منطقه خاورمیانه دارند، حکومت اقلیم کردستان را به نوعی در بن بست ژئوپلیتیک قرار داده‌اند. در سال ۲۰۰۷ کردهای شمال عراق دریافتند که قلمرو جغرافیایی حکومت اقلیم کردستان به‌وسیله دولت‌های متخاصمی که خود جمعیت قابل توجه کرد دارند، یعنی ایران، عراق، سوریه

و ترکیه احاطه شده است و آن‌ها برای بقا و رهایی از محدودیت‌های ژئوپلیتیک، حداقل به یک دولت دوست در مجاورت مرزهایشان نیازمند هستند و برای همین ترکیه را برای خود به‌عنوان متحد و دوست برگزیدند (Jeffrey&Cagaptay,2017: 5). اگر هدف اولیه اقلیم کردستان عراق را بقا بدانیم، هدف بعدی حکومت اقلیم کردستان را باید دستیابی به استقلال سیاسی دانست. نیچروان بارزانی در مصاحبه ۲۱ دسامبر ۲۰۱۲ خود با مجله تایم با بیان اینکه قبل از همه، باید حداقل یک کشور را در اطراف خود قانع کنیم، بر اهمیت به رسمیت شناخته شدن استقلال اقلیم کردستان از سوی ترکیه تأکید کرده بود. زیرا بدون اقیانوسی از کشورهای همسایه نمی‌توانستند استقلال خود را اعلام کنند. وی افزود: "با توجه به اینکه محصور در خشکی هستیم باید یک شریک و یک قدرت منطقه‌ای را اقیانوس کنیم" (Time, 2012).

بنابراین رهبران اربیل تلاش نمودند تا برداشت‌های تهدیدآمیز آنکارا از موجودیت دولت نیمه مستقل کرد را تصحیح نمایند و اربیل را نه یک تهدید بلکه فرصتی نوظهور برای آنکارا در مواجهه با چالش‌هایی که این کشور در منطقه مواجه است معرفی نمایند. موضع‌گیری‌های رهبران کرد عراق در رابطه با اقدامات پ.ک.ک. و دعوت از پ.ک.ک. برای به زمین گذاشتن اسلحه و خروج از قلمرو حکومت اقلیم کردستان عراق در این چارچوب قابل ارزیابی است. در سال ۲۰۰۹ جلال طالبانی^۱ رهبر حزب اتحادیه میهنی کردستان^۲ عراق، یکی از دو حزب اصلی شمال عراق، اعلام نمود که پ.ک.ک. دو راه بیشتر ندارد یا باید اسلحه خود را بر زمین بگذارد و یا باید از شمال عراق خارج شود. در پاسخ پ.ک.ک. اعلام نمود: "طالبانی در تلاش است ژنرال‌های ترکیه را خشنود کند و دیگر باور نداریم که طالبانی در حل مسئله کردی نقشی داشته باشد. کسی نمی‌تواند ما را از کوه‌های قندیل^۳ بیرون کند" (Ozcan,2010: 116). موضع رهبران کرد عراق بر علیه پ.ک.ک. در مشروعیت‌زدایی از پ.ک.ک. در داخل ترکیه مؤثر بوده است. مسعود بارزانی رئیس اسبق حکومت اقلیم کردستان عراق در میان کردهای محافظه‌کار ترکیه که عمدتاً در بخش جنوب شرقی آناتولی ساکن هستند، از نفوذ لازم برخوردار است و با

1 Jalal Talabani

2 Patriotic Union of Kurdistan

3 Qandil

استفاده از همین نفوذ و جایگاه خود کردهای ترکیه را به حمایت از حزب حاکم، حزب عدالت و توسعه^۱، در مقابل احزاب طرفدار کردها ترغیب می‌نمود. درخواست ترکیه از بارزانی در میانجی‌گری برای یافتن راه حل سیاسی در مسئله کردی بیانگر اهمیت اربیل در کنترل تهدیدات پ.ک.ک. است. یکی از اهداف اصلی حزب عدالت و توسعه ابتکار حل مسالمت آمیز مسئله کردی در این کشور بود. بارزانی به‌عنوان شخصیت بانفوذ کرد در منطقه خاورمیانه کردها را به حمایت از راه‌حل‌های سیاسی در مسئله کردی تشویق می‌نمود. در ۱۶ نوامبر ۲۰۱۳ دیداری بین اردوغان و بارزانی در شهر عمدتاً کردنشین ترکیه، دیاربکر^۲، صورت گرفت. بارزانی خطاب به مردم گفت: "من از نخست‌وزیر اردوغان تشکر می‌کنم: او قدم‌های بسیار شجاعانه‌ای را برداشته و مسیر صلح را برگزیده است. آنچه از برادران و خواهران کرد خودم و از خواهران و برادران ترک خودم می‌خواهم این است که از طرح صلح حمایت کنند. مبارزه در راه صلح مبارزه سختی است. به من باور کنید که بدون شجاعت مبارزه برای صلح موفق نخواهد شد. هرچند مسیر صلح ممکن است طولانی باشد، حتی از یک ساعت جنگ بهتر است" (Kayhan, 2016: 23).

به نظر می‌رسد یکی دیگر از دلایل حمایت حکومت اقلیم کردستان و به‌خصوص شخص مسعود بارزانی از پروسه صلح دولت ترکیه با حزب کارگران کردستان ترکیه بیرون کردن جنگجویان پ.ک.ک. از قلمرو جغرافیایی منطقه اقلیم می‌باشد. زیرا که حضور پ.ک.ک. در شمال عراق نارضایتی و عصبانیت بارزانی را برانگیخته است در این بین حزب صلح و دموکراسی^۳ که معروف به شاخه سیاسی پ.ک.ک. می‌باشد اقدام بارزانی را تقبیح نمود و سفر وی به دیاربکر را کمک به سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن ترکیه نامید. به نظر می‌رسد اردوغان در تلاش است از اختلافات موجود بین احزاب و گروه‌های کردی برای تضعیف پ.ک.ک. استفاده نماید. پ.ک.ک. نیز به مداخله بارزانی در مساله اکراد ترکیه هشدار داده و اقدام وی را به جانبداری از آنکارا قلمداد می‌کند. در کل دو طرف در حال همکاری با هم در رابطه با موضوعات مختلفی از جمله

1 Justice and Development Party (Adalet ve Kalkinma Partisi, AKP)

2 Diyarbakir

3 Peace and Democracy Party (PDP)

تلاش برای آرام پ.ک.ک. بوده‌اند (Barkey, 2010: 1). ترس ترکیه در ابتدا از این بود که خودمختاری بیشتر کردهای عراق به تقاضاهای مشابه کردهای ترکیه منجر خواهد شد اما بعداً ترکیه به اینکه بارزانی جلوی نفوذ پ.ک.ک. را خواهد گرفت امیدوار شده بود (Seufert, 2015: 2). زیرا حکومت اربیل به‌عنوان تنها حکومت نیمه‌مستقل کرد در دنیا مورد احترام کردهای منطقه خاورمیانه و ترکیه نیز می‌باشد. از طرف دیگر بارزانی در برابر حمله آنکارا به مواضع پ.ک.ک. در شمال عراق اعتراض چندانی از خود نشان نمی‌داد. در تحولات شمال سوریه نیز بارزانی همگام با آنکارا بر علیه پ.ی.د. که حزبی وابسته به پ.ک.ک. است در حرکت بوده است. نگرانی مشترک آنکارا و حکومت اقلیم از ظهور پ.ی.د. در شمال سوریه و تلاش مشترک آن‌ها در جلوگیری از سلطه پ.ی.د. بر شمال سوریه و گسترش مناطق خودمختار تحت کنترل این حزب باعث نزدیکی بیشتر اربیل و آنکارا شده بود. همان‌طوری که استفان لارابی^۱ یادآور شده است بارزانی در تلاش بود تا جایگزینی برای پ.ی.د. در سوریه به وجود آورد. جایگزینی که وابسته به اربیل باشد و به همراه حکومت اقلیم کردستان عراق در مدار ترکیه حرکت نماید (Larrabee, 2013: 141). همچنین دارای روابط اقتصادی مستحکمی با ترکیه و کردهای عراق باشد.

در مجموع رابطه با ترکیه نقش جدی در تداوم حیات سیاسی اقلیم کردستان داشت و به بیانی دقیق‌تر ترکیه شاه راه حیاتی حکومت اقلیم کردستان عراق به شمار می‌رفت. در مقابل حکومت اقلیم کردستان عراق نیز نه تنها شریک اقتصادی مهمی برای ترکیه بود بلکه در عمل ثابت نموده بود که متحد استراتژیک آنکارا در مبارزه با پ.ک.ک. نیز می‌باشد (Gurbuz, 2017: 2) در سال ۲۰۱۴ حسین چلیک^۲ سخنگوی حزب حاکم، حزب عدالت و توسعه، اعلام نمود آنکارا استقلال کردها در شمال عراق را عملی خصمانه تلقی نمی‌کند وی گفت: "در گذشته دولت مستقل کرد دلیلی برای جنگ بود ولی امروزه کسی حق ندارد این را بگوید" (Dombey, 2014). در این میان برخی از اندیشمندان معتقدند سیاست‌های ترکیه خود به نوعی موجب ترغیب اربیل به استقلال طلبی شده

1 Stephen Larrabee
2 Huseyin Celik

بود. برای مثال ناتالی توکسی^۱، از موسسه امور بین‌الملل^۲ استدلال می‌کند که سیاست‌های آنکارا در منطقه حرکت اربیل به سمت استقلال را تقویت کرده است. (Tocci, 2013: 23) واکنش ترکیه به مسئله استقلال احتمالی حکومت اقلیم کردستان عراق برای اربیل دارای اهمیت حیاتی بود. با توجه به بن بست جغرافیایی اقلیم کردستان، بارزانی به خوبی واقف بود که ادامه حیاط دولت مستقل کرد در آینده نیز بدون حمایت‌های آنکارا محتمل به نظر نمی‌رسد. خوانش بارزانی از رابطه اربیل-آنکارا حکومت اقلیم را به این نتیجه رسانده بود که ترکیه با استقلال کردستان عراق مخالفت جدی نخواهد داشت و یا اینکه در نهایت با مسئله استقلال اربیل از بغداد به نوعی سازش خواهد نمود. لذا مسعود بارزانی به‌عنوان رئیس حکومت اقلیم کردستان عراق در ۱۹ ژانویه ۲۰۱۷ در نشست جهانی داووس^۳ در مصاحبه با واشنگتن پست اعلام نمود که زمان برای استقلال کامل حکومت اقلیم کردستان فرا رسیده است. وی گفت: "آن شایع پراکنی یا رؤیا نیست. ... ما هر کاری را برای رسیدن به این هدف انجام خواهیم داد، اما به طور صلح آمیز و بدون خشونت" (The Washington Post, 2017).

۵. ترکیه و مسئله فراندوم استقلال کردستان عراق

از سال ۲۰۱۴ حکومت اقلیم کردستان اعلام کرده است که در حال فراهم نمودن مقدمات برگزاری فراندوم استقلال این منطقه می‌باشد. بارزانی بارها مسئله برگزاری فراندوم برای استقلال اقلیم کردستان را مطرح نموده است. ولی هر بار مسئله برگزاری این فراندوم با مخالفت حکومت مرکزی عراق، همسایگان این کشور و قدرت‌های خارجی از جمله آمریکا مواجه شده و حکومت اقلیم در مقابل این مخالفت‌ها به ناچار برگزاری فراندوم را به تعلیق انداخته است. قلمرو جغرافیای مورد نظر اربیل برای برگزاری فراندوم استقلال اقلیم نیز یکی دیگر از موارد مورد اختلاف بین اربیل و بغداد بود. زیرا فراندوم استقلال اقلیم در بردارنده مناطق مورد اختلاف نیز بود. (Pichon, 2016: 3) مسئله فراندوم در برخی از مناطق مورد مناقشه از حساسیت بالایی برخوردار بود. از جمله این مناطق می‌توان به منطقه کرکوک اشاره نمود که احزاب و

1 Nathalie Tocci

2 Istituto Affari Internazionali

3 Davos

گروه‌های غیر کردی بخصوص ترکمن‌ها آن را پایتخت تاریخی خود می‌دانند و نگرانی‌هایی در رابطه با تحت فشار گرفتن جمعیت ترکمن از ناحیه نیروهای کرد وجود داشت. در این میان بغداد ابزارهای قانونی اندکی برای بازداشتن اقلیم از برگزاری فراندوم در اختیار داشت. استقلال احتمالی حکومت اقلیم کردستان تحت رهبری مسعود بارزانی و حزب دمکرات وی باعث ارتقا هرچه بیشتر جایگاه بارزانی و حزب وی در میان بازیگران رقیب کرد می‌گردید و در صورت تحقق نقطه عطف تاریخی برای این حزب به شمار می‌رفت. براساس بررسی‌های انجام گرفته توسط مرکز صلح و امنیت انسانی^۱ وابسته به دانشگاه امریکایی کردستان و مؤسسه رسانه و پژوهش سیاسی^۲ بیش از ۸۲ درصد سؤال شوندگان موافق اسقلال اقلیم از حکومت مرکزی عراق بوده‌اند. در حالیکه ۳۴ درصد از پاسخ دهندگان زمان انتخاب شده برای استقلال از عراق را مناسب نمی‌دیدند (Rudaw, 2016).

هرچند اظهارات مقامات آنکارا نظیر اردوغان نشان دهنده کاهش حساسیت‌ها و مخالفت‌های مقامات حزب عدالت و توسعه با مسئله استقلال احتمالی حکومت اقلیم کردستان عراق بود. ولی با این حال ترکیه مخالف پیدایش چنین دولتی در مرزهای خود بود. بیانیه‌ها و اظهارات مقامات آنکارا در رابطه با درخواست فراندوم حکومت اقلیم کردستان در این مورد قابل تأمل است. زیرا هر بار اربیل بحث استقلال و فراندوم را مطرح نموده با مخالفت آنکارا مواجه شده بود. هرچند از شدت مخالفت‌ها کاسته شده بود. با توجه به عمق همکاری‌های اربیل و آنکارا، حکومت اقلیم بر این باور بود که ترکیه مخالفت جدی از خود نشان نخواهد داد. با این حال تحولات بعدی نشان داد که استقلال حکومت اقلیم کردستان عراق همچنان خط قرمز ترکیه است و این کشور با تشکیل دولت مستقل کرد در مرزهای جنوبی خود سازش نخواهد نمود. حتی اگر این مسئله به از هم پاشیدن همکاری‌های امنیتی و اقتصادی اربیل و آنکارا منجر شود. در واکنش به تصمیم اربیل برای برگزاری فراندوم استقلال در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷، وزارت امور خارجه ترکیه با انتشار بیانیه‌ای، تصمیم دولت اقلیم کردستان عراق برای برگزاری همه پرسی استقلال منطقه را اشتباهی بزرگ خواند و تاکید کرد که حفظ

1 Center for Peace and Human Security (CPHS)

2 Institute of Media and Political Research (IMPR)

تمامیت ارضی و اتحاد سیاسی عراق یکی از ارکان اصلی سیاست این کشور در مورد عراق است. وزارت خارجه ترکیه همچنین در ۲۹ آگوست ۲۰۱۷ در واکنش به تصمیم شورای استان کرکوک جهت شرکت در همه پرسی اداره اقلیم کردستان عراق طی بیانیه‌ای اعلام کرد: "برگزاری رفراندوم به خودی خود خطاست و تصمیم شورای استان کرکوک افزودن حلقه‌ای جدید بر این زنجیره اشتباه است و بار دیگر قانون اساسی عراق را نقض می‌کند" (Turkiye Cumhuriyeti Disisleri Bakanligi, 2017).

با وجود مخالفت‌های عراق، همسایگان این کشور و بیشتر قدرت‌های جهانی رفراندوم استقلال اقلیم کردستان در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ برگزار شد و بیش از ۹۳ درصد شرکت‌کنندگان به آن رأی مثبت دادند. در واکنش به برگزاری رفراندوم استقلال و در اقدامی عملی آنکارا با برگزاری مانور نظامی در مرز خود با اقلیم کردستان که بعداً نیروهای عراقی نیز به آن‌ها پیوستند به مبارزه با جدایی طلبی اقلیم کردستان برخاست. دولت اقلیم کردستان در پی واکنش‌های تند دولت عراق و همسایگان این کشور بخصوص ایران و ترکیه، مخالفت‌های جهانی و نیز صدور حکم دادگاه فدرال عراق، نتایج آن را تعلیق نمود (خبرگزاری کردپرس: ۱۳۹۶).

مولود چاووش اوغلو وزیر خارجه ترکیه در ۲۶ اکتبر این اقدام اربیل را ناکافی توصیف کرد و خواستار لغو نتایج رفراندوم شد. هرچند آنکارا تهدید کرده بود که بعد از برگزاری رفراندوم استقلال مرزهای زمینی خود را بر روی اقلیم کردستان عراق خواهد بست، ولی در عمل به چنین اقدامی متوسل نگردید و تا به امروز مراودات در دو سوی مرز در جریان می‌باشد. گذرگاه مرزی هابور برخلاف اعلام مقامات نفتی عراق همچنان تحت کنترل مقامات اقلیم کردستان است. در اصل ترکیه همه پلهای ارتباطی خود با اقلیم کردستان را خراب نکرده است. برای نمونه ترکیه اولین کشوری بود که کمک‌های خود را برای منطقه زلزله زده اقلیم کردستان در تاریخ ۱۲ نوامبر ۲۰۱۷ ارسال نمود. به دنبال رفراندوم استقلال و تضعیف موقعیت قدرت اقلیم کردستان عراق، آنکارا تمایل دارد اقلیم کردستان یک منطقه پابرجا اما متکی به ترکیه باقی بماند.

نتیجه گیری

مقاله حاضر به دنبال بررسی اهداف حکومت اقلیم کردستان عراق در اتحاد با همسایه شمالی خود یعنی جمهوری ترکیه بوده است. در این میان به نظر می‌رسد هدف عمده حکومت اقلیم کردستان تأمین بقا و در صورت امکان جلب رضایت آنکارا در رابطه با مسئله استقلال کردستان عراق از دولت مرکزی بغداد بوده است. تأسیس صنعت نفت مستقل از بغداد و رقابت با پ.ک.ک. بر سر رهبری جنبش‌های کردی و نفوذ در مناطق کردنشین خاومیانه در درجه بعدی اهمیت قرار داشته‌اند. محدودیت‌های ژئوپلیتیک اقلیم کردستان عراق به عبارتی دیگر محصور بودن اقلیم کردستان در خشکی، احاطه شدن آن توسط کشورهای مخالف و نبود عمق استراتژیک موجب انزوای ژئوپلیتیک آن شده بود. این مسئله چالشی جدی برای تداوم حیات و موجودیت سیاسی کردستان عراق به شمار می‌رفت. واقعیات ژئوپلیتیکی رفتارهای سیاسی را برای رهبران دیکته نمی‌نمایند بلکه بر انتخاب‌های عقلانی تأکید دارند. متأثر از این ایده ژئوپلیتیکی رهبران و احزاب سیاسی کردستان عراق گسترش رابطه با آنکارا را به عنوان یکی از پایه‌های تأمین بقا اقلیم برگزیدند. اربیل بر این باور بود که با سرمایه‌گذاری بر روی روابط با ترکیه می‌تواند مخالفت‌های آنکارا با استقلال منطقه را به خنثی نماید. با این حال روند تحولات نادرستی خوانش اربیل از رابطه با ترکیه در زمینه استقلال از بغداد را نشان داد.

از سویی دیگر اربیل در تلاش بود تا منابع نفت و گاز خود را مستقل از بغداد توسعه داده و مسیرهای صادراتی مختص خود را احداث نماید. با توجه به حصر ژئوپلیتیک کردستان عراق، بهرمندی از مواهب ژئواکونومیک اقلیم کردستان و تلاش‌های جاه‌طلبانه اربیل در این زمینه نیازمند همکاری‌های آنکارا بود. لذا اربیل به اتحاد با آنکارا برای فائق آمدن بر حصر ژئوپلیتیک خود و بهرمندی از منابع هیدروکربنی شمال عراق برآمد. خرید نفت منطقه اقلیم توسط آنکارا و انتقال مستقیم آن از قلمرو جغرافیایی ترکیه به بازارهای جهانی با وجود ناخشنودی بغداد صورت می‌گرفت. مسیرهای قبلی که نفت منطقه را به ترکیه و از آن طریق به بازارهای جهانی انتقال می‌دادند رسماً تحت تملک حکومت مرکزی عراق قرار داشتند. اتحاد حکومت اقلیم با ترکیه به اربیل این امکان را داد که خطوط لوله مستقلی را داشته باشد و بتواند با دسترسی به بندر جیحان ترکیه نفت خود

را به طور مستقل به بازارهای جهانی صادر نماید. به عبارتی همکاری و اتحاد با ترکیه باعث گردید اربیل به هدف تأسیس صنعت نفت مستقل از حکومت مرکزی عراق دست یابد. البته هدف نهایی تأسیس زیرساخت‌های نفت و گاز مستقل از بغداد حفظ بقا و در صورت ممکن کسب استقلال سیاسی کردهای شمال عراق بود. روابط اقتصادی موجود با همکاری‌های امنیتی دو طرف در منطقه از جمله در سوریه و روابط شخصی مسعود بارزانی و اردوغان نیز همراه گردید. با توجه به حضور پ.ک.ک. در قلمرو جغرافیایی اقلیم کردستان عراق و رقابت‌های ژئوپلیتیک آن با حزب دمکرات بارزانی، آنکارا و اربیل کنترل نفوذ پ.ک.ک. را ضروری می‌دیدند. مسئله‌ای که با ظهور پ.ی.د. وابسته به پ.ک.ک. در شمال سوریه دارای جایگاه اساسی در اتحاد اربیل و آنکارا داشت. تمایلات ملی‌گرایانه و رادیکال پ.ک.ک. نه تنها تمامیت ارضی ترکیه را تهدید می‌کند بلکه تهدیدی برای اهداف حزب دمکرات بارزانی برای رهبری کردها و جنبش‌های کردی در منطقه خاورمیانه به شمار می‌رود. بارزانی سعی داشت خود را به‌عنوان نماد ناسیونالیسم کردی در منطقه خاورمیانه مطرح کند و این تمایل وی با تلاش آنکارا برای تضعیف پ.ک.ک. ادغام شده و به اتحاد این دو منجر شده بود.

منابع

پیشگاهی فرد، ز. و نصراللهی زاده، ب. ۱۳۹۱، "پیامدهای تشکیل حکومت ناحیه ای کردستان عراق در کردستان ایران"، *مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی*، سال ۲۳، پیاپی ۴۶، شماره ۲، صص ۲۰۶-۱۸۹

خبرگزاری کرد پرس. ۱۳۹۵، "آغاز درگیری نظامی میان نیروهای کُرد در شنگال"، ۱۵ اسفند. خبرگزاری کرد پرس. ۱۳۹۴، "مخالفت YPG با بازگشت نیروهای پیشمرگ روزآوا به سوریه"، سوم آبان.

خبرگزاری کرد پرس. ۱۳۹۶، "درخواست حزب دمکرات برای اجرایی کردن نتایج فراندوم استقلال اقلیم کردستان"، ۲۰ بهمن.

—حافظ‌نیا، م. ۱۳۸۵، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: انتشارات پاپلی.

-نجفی، م. ۱۳۹۶، "هر آنچه لازم است در مورد اقلیم کردستان بدانید"، در

<http://www.tabnak.ir/fa/news/>, (Accessed on: 2016/7/12).

- Barkey, H. 2010., "Turkey's New Engagement in Iraq: Embracing Iraqi Kurdistan", United States Institute of Peace.
- Barkey, H. 2015., "on the KRG, the Turkish- Kurdish Peace Process, and the Future of Kurds", Woodrow Wilson Center, Washington.
- Charountaki, M. 2012., "Turkish Foreign Policy and the Kurdistan Regional Government", **Perceptions**, Vol.17, No.4, pp.185-208.
- Crisis Group interview. 2007., Senior Turkish Official, Ankara, 3 December.
- Dombey, D. 2014., "Turkey Ready to Accept Kurdish State in Historic Shift", **Financial Times**, June 27.
- Gurbuz, M. 2017., "Iraqi Kurdistan's Bid for Independence: Challenges and Prospects", Arab Center Washington DC.
- Jeffry, J. & Cagaptay, S. 2017., "U.S. Policy on Turkey", the Washington Institute for Near East Policy, No.27.
- International Crisis Group Middle East Report 136. 2013., "Syria's Kurds: A struggle within a struggle", 22 January, Available at: <http://www.crisisgroup.org/en/regions/middle-east-north-africa/syria-lebanon/syria/136-syrias-kurds-a-struggle-within-a-struggle.aspx>, (Accessed on: 2016/7/12).
- Kamisher, E. 2016., "How the Quasi-State Built an Independent Oil Industry", Moshe Dayan Center for Middle Eastern and African Studies.
- Kayhan, O. 2016., " Turkey's Changing Relations with the Iraqi Kurdish Regional Government", **Middle East Review of International Affairs**, Vol. 20, No. 2, pp.20-28.
- KRG Ministry of Natural Resource. 2016., "KRG Publishes Monthly Export Report for May 2016", Available at: <http://mnr.krg.org/index.php/en/press-releases/557-krp-publishes-monthly-export-report-for-may-2016>, (Accessed on: 2017/7/12).
- Larrabee, S. 2013., "Turkey's New Kurdish Opening", **Survival: Global Politics and Strategy**, Vol. 55, No. 5, 2013, pp. 133-146.
- Lindenstrauss, G. & Aksoy, F. 2012., " Turkey and Northern Iraq: Tightening Relations in a Volatile Environment", **Strategic Assessment**, Vol.15, No. 3, pp.49-58.
- Natali, D. 2015., "The Kurdish Quasi-State: Leveraging Political Limbo", **The Washington Quarterly**, Vol.38, No.2, pp.145-164.
- Ozcan, M. 2010., "Turkish Foreign Policy Towards Iraq in 2009", **Perceptions**, Vol.15, No.4, pp. 113-132.
- Özdemir, V. & Raszewski, S. 2016., "State and Sub-state Oil Trade: The Turkey-KRG Deal", **Middle East Policy**, Vol.23, No.1, pp.125-135.
- Paasche, T. & Mansurbeg, H. 2014., "Kurdistan Regional Government-Turkish energy relations: a complex partnership", **Eurasian Geography and Economics**, Vol.55, No.2, pp.111-132.

- Park, B.2016., " KRG–Turkey Relations from the KRG’s Perspective", in The AKP and Turkish Foreign Policy in the Middle East, Middle East Centre, Volume 5.
- Pichon, E. 2016., "Regional implications of Iraqi Kurdistan's quest for independence", European Parliamentary Research Service.
- Pinar, I. 2017., " Oil and intra-state conflict in Iraq and Syria: sub-state actors and challenges for Turkey's energy security, **Middle Eastern Studies**, Vol.53, No.3, pp.406-419.
- Plano, C. & Olton, R. 1988., **The International Relations Dictionary**, California: Longman.
- Reuters. 2007., "Iraq's Kurds reject aspects of emerging oil", Available at: <http://uk.reuters.com/article/uk-iraq-kurds-lawidUKL1840610820070418>, (Accessed on: 2010/7/12).
- Scholvin, S. 2016., "Geopolitics an Overview of Concepts and Empirical Examples from International Relations", The Finnish Institute of International Affairs.
- Seufert, G. 2015., "The Return of the Kurdish Question", Stiftung Wissenschaft und Politik (German Institute for International and Security Affairs).
- Tanchum, M. 2014., "Between Ankara and Tehran: How the Scramble for Kurdistan Can Reshape Regional Relations", **Strategic Assessment**, Vol.17, No.3, pp67-80.
- Taylor, P. 1989., **Political Geography: World-Economy, Nation-State and Locality**, London, Longman Scientific & Technical
- The Washington Post. 2017., "Kurdish president: Independent Kurdistan is ‘neither a rumor nor a dream’”.
- Time. 2012., "An Interview with Nechirvan Barzani: Will There be an Independent Kurdistan?", at: <http://world.time.com/2012/12/21/an-interview-with-nechirvan-barzani-will-there-be-an-independent-kurdistan/>, (Accessed on: 11/07/2017).
- Tocci, N. 2013., "Turkey’s Kurdish Gamble", **The International Spectator**, Vol.48, No.3.
- Turkiye Cumhuriyeti Disisleri Bakanligi. 2017., "Kerkük Vilayet Meclisi'nin Kerkük'ün IKBY Referandumuna Dahil Edilmesine Yönelik Aldığı Karar Hk", Available at: http://www.mfa.gov.tr/no_-272_-kerkuk-vilayet-meclisinin-kerkukun-ikby-referandumuna-dahil-edilmesine-yonelik-aldigi-karar-hk.tr.mfa, (Accessed on: 2017/11/12).